نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی
دوره نهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴، صفحات ۱۱۹ تا ۱۲۲

دیدگاه

تحلیل نقادانه تحریم بر انتشارات کشور با نگاه به فلسفه اخلاق

مجید نادری[۱]، سعیده یعقوبی[۲*]

۱. استاد هماتولوژی و انکولوژی کودکان، گروه کودکان، دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات ژنتیک و بیماری‌های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
۲. *نویسنده مسئول: دانشیار بیماری‌های عفونی کودکان، گروه کودکان، دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات سلامت کودکان و نوجوانان، پژوهشکده علوم سلولی و مولکولی بیماری‌های عفونی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران، yaghoubimd@yahoo.com

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۳۱ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۲۹

چکیده

انسانیت انسان در حرکت خودسالارانه او به سوی دیگری است. پیشامد چنین حرکتی، آینده‌ای بهتر در روگردانی از خودآزاری و دگرآزاری است. در دوره معاصر، تحریم یک جانبه آمریکا علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، فقط در حیطه سیاست و قدرت نماند؛ بلکه دست‌کم نشریات و ناشران غربی، همساز با سیاست‌های محلی، با رد درخواست و عدم پذیرش مقالات ایرانیان، رویکردی غیرعادلانه پیش گرفته‌اند. در این مقاله با ارجاع به نقد خرد عملی ایمانوئل کانت(۱۷۲۴-۱۸۰۴) و خرد ارتباطی یورگن هابرماس(۱۹۲۹)، از ظرفیت خرد جهانشمول که در مواد حقوق بشر نوشته شده برای تصحیح مواجهه با دیگری بهره می‌بریم. استدلال‌های مبتنی بر خردورزی به مثابه آینه‌ای برای شفاف‌تر دیدن نقش افراد و گروه‌ها در مناسبات اجتماعی و سیاسی خواهد بود. به این ترتیب بر محور نوعی تحلیلی انتقادی، بنیادهای بحران‌زای برخورد غیرستیزانه ناشران غربی مؤکد می‌شود. افزون بر این، نتیجه مقاله فراتر از مصداق مورد بحث، مواجهات متعارض با ارزش‌های مشارکت محور و اخلاقی را پرسش‌انگیز نموده و نقاط معضل‌آفرین آنها را آشکار می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اخلاق، انتشارات، بررسی اخلاقی، فلسفه

مقدمه

در پی چالش بر سر برنامه هسته‌ای ایران و به دنبال ارجاع پرونده این کشور از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۱۳۸۵، دوره تحریم ایران آغاز شد و از آن زمان تاکنون این کشور، تحریم‌های مختلفی را تجربه کرده که از تحریم‌های چندجانبه مانند: تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، تحریم‌های اتحادیه اروپا تا تحریم‌های یک جانبه مانند: تحریم از سوی کشورهای مختلف از جمله ایالات متحده آمریکا را در بر می‌گیرد.

در پی این وضعیت، نه تنها صنایع و امور مربوط به برنامه هسته‌ای؛ بلکه حتی ارسال پژوهش‌ها و مقالات ایرانیان برای نشریات و انتشارات غرب با رد درخواست و عدم پذیرش روبرو شده‌اند. بسیاری از محققان ایرانی که در صدد ارسال و انتشار مقالات خود در ژورنال‌های غربی بر آمده‌اند، درکی شهودی و نزدیک از این تجربه زیسته دارند. ناشران غربی به محض دریافت مقالات نویسندگان ایرانی، بر آن مهر بازگشت می‌زنند و به طور پیش فرض، در ایمیلی پاسخ داده می‌شود که به سبب تحریم ایران، از پذیرش مقاله شما معذوریم. به این ترتیب نویسنده‌ای که چند ماه یا حتی سال از عمر خود را بر سر ایده‌ای نو، پژوهشی راهگشا و اثری روش‌مند گذارده، با تصمیمی خودسرانه و بلکه ناعادلانه، از همیاری در پیشرفت علم و فکر باز مانده است.

ایران در آموزش عالی، رشد بهره‌وری و دانش رتبه بالایی دارد. برخی این فرضیه را مطرح کرده‌اند که محدودیت‌های مالی محققان را به جستجوی همکاری‌های خارجی برای به اشتراک گذاشتن هزینه و دسترسی به بودجه، مواد و جمعیت بیماران سوق می‌دهد. مقاله Kokabisaghi و همکاران به بررسی تاریخچه و اهمیت تحریم‌های سیاسی آمریکا بر سلامت بخش نشریات ایران پرداخت و نتایج آنها نشان داد که در دوره‌های افزایش تحریم‌ها، دانشمندان ایرانی به طور فزاینده‌ای از فرصت انتشار محروم می‌شدند و در نتیجه تحریم می تواند آزادی پژوهشگران را نقض کند و پیشرفت آنها را محدود می‌کند(۱).

فراتر از مشکلات انتشار، کارآزمایی‌های بالینی تحت حمایت خارجی در ایران خاتمه یا تعلیق شده‌اند. برای مثال، طرح Wellcome Trust برای کاهش نابرابری‌های بهداشت شهری در شش شهر آزمایشی (از جمله تهران) با ممانعت از انتقال بودجه تحقیقاتی جلوگیری شد. (۱).

برای افزایش شفافیت درباره مواجهه تحریمی با دیگری، بجاست از بنیادهای خودسرانه و ناعادلانه بودن ممانعت از پذیرش و انتشار مقالات

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.22034/9.1.16]

محققان ایرانی پرسش کنیم که آیا به‌طورکلی مواجهه غیرستیزانه و تحریمی با ارزش‌های جهانشمول و تثبیت یافته کنونی همساز است یا به بحران در بنیادهای آن می‌انجامد؟ بعد از پاسخ به این پرسش‌ها و فارغ از نتایج مقاله، هدف نویسنده مقاله فراخوانی شهروندان کشورها به مخالفت با قوانین داخلی نیست؛ بلکه لزوم شنیدن و دیدن حفره‌ها و بحران‌های قوانین و رویکردهای بومی و ترجیح رویکرد بر زیر فرش فرستادن مسئله است. اخلاق و انسانیت نباید به بهانه وضع قوانین بومی وداخلی، وتو شده و نادیده گرفته شود. در توضیح ادعای بحران‌زایی مواجهه تحریمی نشر غربی، از میان متفکرانی که بیشترین تأثیر را در پرورش خرد انتقادی، مشارکت محوری و عمومیت انتقادی داشته اند، خرد عملی کانت و خرد ارتباطی هابرماس، استدلال‌ها و مبانی خود را پیش می‌اندازند و با شدت بیشتر، آشکار می‌کنند؛ زیرا بنیادهای اخلاق کانتی و مشارکت‌محوری هابرماس در تقابل با هر گونه مواجهه غیرستیزانه برآمده و طبعاً در اشاره به معضل قوم‌مداری در رفتار کنشگران و نهادهای غربی، مرکزیت خود را در بحث نشان می دهند. به این ترتیب برجسته‌سازی اندیشه خردگرایانه و اخلاقی این دو متفکر، لزوماً وابسته میل و خودسرانگی اراده نویسنده مقاله نبوده است.

فرض این مقاله بر تداوم نگاه استعماری، قوم مداری در نشر غربی در مواجهه با دیگری خاورمیانه ای است؛ درحالی‌که جهت‌گیری حقوق بشر بر ارتباط با دیگری و خوداندیشی است. بنیادهای فلسفه اخلاق تکلیف‌محور مدرن را نزد ایمانوئل کانت فیلسوف عصر روشنگری می‌یابیم که با نقد ثنویت‌گرایی دکارتی، بحران‌های جزمیت گرایی عصر خود را آشکار کرد.

خرد عملی ناب ایمانوئل کانت

برخلاف خرد نظری ناب که کارکرد موجهی به محدود ماندن در تجربه پیوند دارد و داشتن مطالبه خارج از تجربه، آن را متعالی و فراروی(Trancedent)می‌کند، خرد عملی، آنگاه که در تجربه و محسوسات نماند، کارکرد موجه، درون‌زا و حلولی(Immanent) دارد. پس اثربخشی خرد عملی در آزاد بودنش از قید تجربه است. در نتیجه قانون علیت در خرد عملی، ناشی از اختیار است. بر این اساس، کانت امکان تعریف اصول خرد عملی ناب را می‌یابد بویژه در این بیان کلی: اصول خرد عملی مشتمل بر ایجاب کلی اراده‌اند و نزد اراده هر ذات خردمندی معتبرند زیرا قوانین عملی آن، عینی‌اند نه ذهنی و وابسته به عامل و فاعل اراده هستند (۲).

استدلال کانت در نقد سعادت‌محوری

به سویه سلبی و ایجابی اتونومی در فلسفه اخلاق کانت اشاره شد. معنای سلبی اتونومی، اختیار یا استقلال خاستگاه اخلاق از ماده و محسوسات و سویه ایجابی‌اش در قانونگذاری ذاتی خرد ناب به مثابه شرط صوری همه قوانین و فرامین است. پس یک فرمان عملی حاوی شرط مادی و تجربی، هرگز نباید قانون عملی دانسته شود.

استدلال کانت در غایت بنفسه بودن انسان

غایت بنفسه بودن انسان نزد کانت، سرچشمه قانون مطلق اخلاق است. در تقسیمی کلی، هر چیز یا در نفس خود ارزش مطلق دارد یا ندارد. کانت برای اصل وجود غایت بنفسه، نیازی به استدلال نمی بیند زیرا انسان به مثابه غایت مستقل و بنفسه، وجود دارد (۲)

نتیجه‌گیری از استدلال های کانت

آنچه از مجموع تقریرهای کانت در فلسفه اخلاق تکلیف محور او به دست می آید، در مفهوم اتونومی فشرده می‌شود. اتونومی توانشی در هستی انسان است که اگر وجود نداشت، انسان همانند دیگر موجودات از وضع غریزی و طبیعی به فرهنگ و تمدن گذار نمی‌کرد و تابع شرایط طبیعی و پاتولوژیکی می‌ماند که خود آنها را پدید نیاورده است (۲)

نقد بومی‌گرایی، قوم‌مداری نشر غربی بر محور استدلال‌های کانت

مقالات محققان ایرانی خواهان انتشار در ژورنال‌های غربی، مدلی از اتونومی فردی و تلاشی جستجوگرانه در مسیر تقرب به قانون اخلاق(حکم منجز خرد عملی) است زیرا بر پایه حکم منجز خرد عملی کانت، هر انسانی از آنجا که هستی گشوده بر انتخاب دارد، بنیاد اخلاق است. در مقابل، منع انتشار این مقالات از سوی ناشران و نشریات غربی، به تعبیر کانت، بیشتر ناشی از شرایط پاتولوژیک و احساس خرسندی در تأمین سعادت بومی است. به نظر می‌رسد فرامین ذهنی و دستورات برخاسته از شرایط محلی تصمیم‌گیران، اساس این منع است. به بیانی دیگر: سیاست پژوهشی نشر غربی در عدم پذیرش مقالات ایرانیان، چنان قاعده رفتاری نیست که بتواند قانون عمومی و جهانشمول شود.

بر این اساس، ممانعت از مشارکت در پیشروند پژوهش و توسعه علمی، عملی غیر شرافت‌مندانه است. منع انتشار مقالات محققان ایرانی، تنها سنگ‌اندازی در مسیر توسعه غایات انسانی نیست؛ بلکه صلاحیت منع‌کننده را برای مخاطب بودن، پرسش‌انگیز می‌کند؛ زیرا به گفته کانت، امکان عضویت در قانونگذاری قانون عام (ارزش‌های جهانشمول)، مشروط است به آنکه آزادی اراده شخص، مانع آزادی اراده دیگران نشود. به این ترتیب، کانت ذات‌های خردمند را در صورتی شایسته احترام می‌داند که ارزش‌های بازاری و تجملی را محور اتونومی قرار ندهند؛ بلکه آیین رفتار آنها به مثابه قانونگذاری عام، از نیکخواهی و شرافت جان بگیرد. (۵-۳)

خرد ارتباطی یورگن هابرماس

تز هابرماس برای بهبود شرایط دموکراتیک و رفع موانع عقلانی شدن گفتگو در فضای عمومی در جهان سرمایه داری، خرد ارتباطی است. شرط امکان و تثبیت تز او در فضای عمومی، دگرگونی شیوه زیست قوم‌مدارانه و

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.22034/9.1.16]

ارزش‌گذاری بازاری است. به باور هابرماس، عقلانی شدن رکنی از تکامل اجتماعی و برای جامعه آزاد و رهایی یافته، واجد اهمیت اساسی است. (۶)

به این ترتیب هابرماس به صورت تلویحی، فراخوانی به خرد ارتباطی را محور کنش افراد خصوصی قرار می‌دهد. کنش مبتنی بر خود فهمی از کنش مبتنی بر موفقیت متمایز است. مصداق روشن کنش مبتنی بر خودفهمی، مشارکت در پژوهش و نگارش افکار و پرهیز از ویژگی‌های محلی برای نزدیک شدن به ساختاری همه شمول است.(۸-۷)

در نقد نشر غربی، از همین ایده و پرسش هابرماس می‌توان بهره گرفت. به باور هابرماس توانش عمومیت انتقادی فقط از طریق مشارکت افراد خصوصی آشکار می شود. محققان ایرانی به مثابه افراد خصوصی، هم‌گرایی را جایگزین انزواطلبی می‌کند و جهت‌گیری خود در نقش‌مندی اجتماعی و پرورش اصل عمومیت انتقادی را با مشارکت در پژوهش‌های مسئله‌محور نشان می دهد تا راهی باز کند به دگرگونی سلطه و اقتدار در مناسبات سیاسی و اجتماعی در بعد جهانی. مواجهه تحریمی نشر غربی با دیگری خاورمیانه‌ای و عدم پذیرش محقق ایرانی، به تداوم همان سلطه و فروبستگی شدیدتر شبکه کارکردهای اجتماعی می انجامد. به این ترتیب نشر غربی بر عکس آموزه‌های اثربخش هابرماس در لزوم افزایش عمومیت انتقادی، خودفهمی، مفاهمه مبتنی بر خرد ارتباطی، گرایش به قوم‌مداری دارد. هابرماس بر این باور است که همبستگی ارتباطی جماعت(در مقابل صنعت فرهنگ توده) زنده کردن عمومیت انتقادی است. محققان ایرانی با ارسال مقالات پژوهشی خود به ژورنال‌های غربی، بر اصل زنده کردن عمومیت انتقادی و بازسازی همبستگی نقش می‌زند.

نتیجه‌گیری

۱. محقق ایرانی آماده روی‌آوری به دنیای نویی است که خرد عملی و خرد ارتباطی از بنیادهای اخلاقی و قوام‌بخش آن است. برای محقق ایرانی، مقالات پژوهشی و ارسال برای ژورنال‌های غربی راهی در جهت تقرب به بنیادهای عقلانی حقوق بشر است. بر عکس، نشر غربی با منع از پذیرش، آیین رفتاری را آشکار کرده که از قاعده اخلاقی و جهان شمول شدن ناتوان است .

۲. محقق ایرانی در ایفای نقش اتونوم آزاد در همسازی با ارزش‌های جهانشمول و حقوق بشر، آیین رفتاری در پیش گرفته که می‌تواند به عنوان قانونی کلی و همگانی تثبیت شود. در مقابل، مواجهه تحریمی نشر غربی آیین رفتاری خودشکن است. زیرا اگر این قاعده رفتاری به عنوان قانون کلی و همگانی تثبیت شود، خود را نقض می کند و جهان را ناپایدار. درست شبیه فردی که خلف وعده را آیین رفتار خود کرده که اگر بخواهد قانون کلی و همگانی شود، خود را می شکند و همه مرتکب خلف وعده شده و هیچ جهان همگانی و عامی در آن وضع، پایدار نمی ماند.

۳. محقق ایرانی، با تکیه بر اصل: انسان غایت است نه وسیله، به سهم خود در فرایند حقیقت‌یابی مشارکت کرده و با نگارش مقاله، چوب حقیقت را چونان دونده امدادی به نفر بعدی در میان مخاطبان غربی واگذار کند اما نشر غربی با منع از امکان مفاهمه میان او و انسان غربی، هر دو را چونان آلت و وسیله، از غایت بنفسه بودن تهی می‌کند؛ زیرا انتظار زیرنشینی همگان از چارچوب خرسندساز قوانین اجرایی دولت‌های غربی دارد نه اشتیاق به رهایی از سرکوب و سلطه. نشر غربی در صورت تداوم مواجهه تحریمی با کنشگران علم و فکر، نه تنها مانع پیشرفت اصل غایت بنفسه بودن انسان در اخلاق کانتی شده؛ بلکه کنش او مطابق این اصل نیز نیست. به این ترتیب منع از انتشار سهم همیارانه کنشگران ایرانی علم، برای نشر غربی به نمایش پیروزی اراده(Triuph des Willens) تبدیل می‌شود. گویی هواپیمای نشر غربی از فراز ابرها، با یک سایه عقاب‌سان بر روی پیکرهای کوچک توده و همردیف شده‌ای، فرود می‌آید و از خود موجودی شبه الهی و پر رمز و راز می‌سازد که اراده‌اش بر یکدست‌سازی همگان است. اگر اصل غایت بنفسه بودن انسان اخلاق کانتی، خاستگاه ارزش‌گذاری انسان مدرن باشد، پس آنچه واقعیت‌مندتر است نه پیروزی اراده نشر غربی؛ بلکه شباهتش به دیکتاتور بزرگ چارلی چاپلین است.

۴. محقق ایرانی طبق اصل عمومیت انتقادی هابرماس، با طرح اندیشه خود، گامی همیارانه در جهت پیشرفت علم و فکر بر می‌دارد و تلاش او، آغاز گونه‌ای هم اندیشی برای نزدیک شدن به حقیقت است. طرف دیگر ماجرا آیا سخن او را می‌شنود؟ منع انتشار پژوهش همیارانه او، نقض اصل همیاری و کنش ارتباطی است. هانس گئورگ گادامر که مناظره‌ای هم اندیشانه برای نزدیک شدن به حقیقت با هابرماس دارد، هرمنوتیک را به هنر شنودآموزی تعریف می‌کند. پس در این هم-اندیشی، گوش‌ها همانقدر در کارند که زبان‌ها. پس ناشنودن سخن دیگری، در جهت ناممکن‌سازی شرایط دموکراتیک خرد ارتباطی و مرز جغرافیایی را به مثابه قلعه محافظتی فرهنگ قرار دادن است.(۸)

۵. محقق ایرانی به مثابه دیگری از سوی نشر غربی به رسمیت شناخته نمی‌شود. هابرماس در همسازی تز کنش ارتباطی خود با مسیحیت، دیگریت (otherness) به مثابه تصویری از خدا (image of God) را مطرح کرد (Habermas, P 2006.۲۴) که به باور او درست به همین دلیل باید به رسمیت شناخته شود. پس مواجهه تحریمی نشر غربی با محققان ایرانی علاوه بر بی اعتبارسازی سهم اندیشمندانه هابرماس در بهبود فضای کنش ارتباطی، نیز در جهت نقض آموزه‌های مسیحیت است.

۶. از مجموع دو تز خرد عملی کانت و تز خرد ارتباطی هابرماس، می‌توان نتیجه گرفت: در عصر فراگیری شبکه‌های اجتماعی و دموکراسی مشارکتی که تا حدود زیادی مرزهای جغرافیایی را در نوردیده و در

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.22034/9.1.16]

دوره جهان‌گستری ایده‌ها و افکار، محققان ایرانی به درستی خود را محق به استفاده از «امکانات بیان» می‌بینند. از سویی دیگر، نابرابری و بی‌عدالتی در بهره از امکانات بیان، ربطی به حق و باطل باورهای افراد ندارد؛ بلکه تضییع حق انسانی در روز روشن است. پس اینکه کدام ساختار فکری و فرهنگ حق و یا ناحق است، در جریان گفتگوی آزاد در درازای تاریخ آثار فکر، تشخیص داده می‌شود. بنابراین فارغ از حق و باطل، دفاع از عدالت امکانات برابر برای مشارکت همه پژوهشگران-با هر عقیده و مرام و مسلکی- همساز با دموکراسی راستین است که هر انسان آزاده و متفکر شریفی در راستای تحقق آن حرکت می‌کند، می‌اندیشد و می‌نویسد.(۱۳-۹)

منابع

1. Kokabisaghi F, Miller AC, Bashar FR, Salesi M, Zarchi AA, Keramatfar A, Pourhoseingholi MA, Amini H, Vahedian-Azimi A. Impact of United States political sanctions on international collaborations and research in Iran. BMJ global health 2019; 4(5): e001692.
2. Varden H. Kant and Women. Pacific Philosophical Quarterly 2017; 98 (4): 653-694.
3. Pearce JM. Early observations on facial palsy. Journal of the History of the Neurosciences 2015; 24(4): 319-25.
4. Abdollahi M. Perspectives of science in Iran. Iranian journal of pharmaceutical research: IJPR. 2010; 9(3): 207. [In Persian]
5. Betz JR. After Enlightenment: the post-secular vision of JG Hamann. John Wiley & Sons; 2012.
6. Cooke M. Argumentation and transformation. Argumentation 2002; 16: 81-110.
7. Habermas J. The structural transformation of the public sphere: An inquiry into a category of bourgeois society. MIT press; 1991.
8. Habermas J. Religion in the public sphere. European Journal of Philosophy 2006; 14 (1):1–25.
9. Schmidt J. Immanuel Kant: Text and Context. Eighteenth-Century Studies 2003; 37(1): 147-61.
10. Kant I. Grundlegung zur metaphysik der Sitten. Verlag nicht ermittelbar; 1791.
11. Kant I, Meiklejohn JM, Abbott TK, Meredith JC. Critique of pure reason. London: JM Dent; 1934.
12. Ball T, Connolly W, Dews P, Malachowski A. Review Symposium on Richard Rorty: Contingency, Irony, and Solidarity. History of the Human Sciences 1990; 3(1): 101-122.
13. Pippin RB. Modernism as a Philosophical Problem: On the Dissatisfactions of European High Culture. Malden, Mass: Wiley-Blackwell; 1991.

Opinion

A Critical Analysis of The Sanctions on The Country's Publications with a View to The Ethical Philosophy

Majid Naderi[1], Saeedeh Yaghoubi[2]*

1. Professor of Pediatric Hematology and Oncology, Department of Pediatrics, School of Medicine, Genetics and non-communicable Disease Research Center, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran
2. ***Corresponding author:** Associate Professor of Pediatric Infectious Disease, Department of Pediatrics, School of Medicine, Children and Adolescents Health Research Center, Research Institute of Cellular and Molecular Science in Infectious Diseases, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran, yaghoubimd@yahoo.com

Abstract

The humanity of man lies in his self-willed movement towards the other. Such a movement necessarily results in a better future in turning away from self-harm and otherness. In the contemporary era, the unilateral US sanctions against the nuclear program of the Islamic Republic of Iran did not remain only in the realm of politics and power, but at least Western publications and publishers, in line with local politics, have taken an unfair approach by rejecting requests and not accepting Iranian articles. In this article, by referring to the critique of practical reason by Immanuel Kant (1724-1804) and the communicative reason by Jürgen Habermas (1929), we will use the capacity of universal reason written in the articles of human rights to correct the encounter with the other. Arguments based on rationality will serve as a mirror to see more clearly the role of individuals and groups in social and political relations. In this way, based on a kind of critical analysis, the crisis-causing foundations of the non-confrontational approach of Western publishers are emphasized. Furthermore, the conclusion of the article, beyond the discussed case, questions the conflicting encounters with participatory and ethical values and reveals their problematic points.

Keywords: Ethical Review, Ethics, Philosophy, Publications

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-10-07]

[DOI: 10.22034/9.1.16]